

Long-Term and Short-Term Effects of Economic and Financial Risk on Income Distribution: PANEL ARDL Approach

Ramezan Hosseinzadeh,^۱ Hadi Keshavarz^۲

Received: 2023/01/14

Accepted: 2023/0۳/۱۸

Abstract

Several factors affect income distribution in a society. One of these factors is risks such as economic and financial risk. Therefore, this study investigates the effect of economic and financial risks on income distribution in D8 countries. In order to estimate the model, the PANEL ARDL method is used during 2010-2020. The model estimation results have shown that both financial and economic risks have a negative and significant effect on the Gini coefficient in the short and in the long term. This means that with the increase in risk and instability in countries, the distribution of income worsens and a wider income gap is created. Also, the variables of GDP per capita and trade openness index also had a positive effect on the Gini coefficient of countries. In other words, the growth of per capita GDP and the openness of the economy have created more income opportunities for the rich groups. The income gap has increased. Government expenditure had a negative and significant effect on the Gini coefficient. In this way, it can be said that the financial policies of the governments in these countries are in line with equal income distribution.

Keywords: Economic Risk, Financial Risk, Gini Coefficient, PANEL ARDL, D8 Countries.

JEL Classification: H53, O50, O15.

^۱DOI: 10.22051/IEDA.2023.42590.1343

^۲ Assistant Professor, Department of Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. (Corresponding Author). (ra.hosseinzadeh@eco.usb.ac.ir).

^۳ Assistant Professor, Department of Economic, Faculty of Business and Economics, Persian Gulf University, Busheher, Iran. (hd.keshavarz@pgu.ac.ir).

مقاله پژوهشی

اثرات بلندمدت و کوتاه‌مدت ریسک اقتصادی و مالی بر توزیع درآمد:

رهیافت PANEL ARDL^۱

رمضان حسین‌زاده^۲ و هادی کشاورز^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴

چکیده

عوامل متعددی بر توزیع درآمد یک جامعه اثرگذار هستند. یکی از این عوامل، ریسک‌های مختلف مانند ریسک اقتصادی و ریسک مالی است. از این رو هدف این مطالعه بررسی اثر ریسک‌های اقتصادی و مالی بر توزیع درآمد در کشورهای گروه دی هشت (D8) می‌باشد. برای تخمین مدل از روش پانل ARDL در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۲۰ استفاده شده است. نتایج تخمین مدل نشان داده است که هر دو متغیر ریسک مالی و اقتصادی اثر منفی و معناداری بر ضریب جینی هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت داشته‌اند. این امر به معنای این است که با افزایش سطح ریسک و بی‌ثباتی در کشورها، توزیع درآمد در آنها بدتر شده و شکاف درآمدی بیشتری ایجاد می‌شود. همچنین متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه و شاخص باز بودن تجاری نیز اثر مثبت بر ضریب جینی کشورها داشته است. به عبارت دیگر، رشد تولید سرانه و باز شدن اقتصاد موجب ایجاد فرصت‌های درآمدی بیشتری برای ثروتمندان شده و شکاف درآمدی افزایش یافته است. متغیر مخارج دولت، اثر منفی و معنادار بر ضریب جینی داشته است. به این ترتیب می‌توان گفت که سیاست‌های مالی دولت در این کشورها، هم راستا با توزیع برابر درآمد بوده است.

واژگان کلیدی: ریسک اقتصادی، ریسک مالی، ضریب جینی، کشورهای گروه D8، پانل ARDL.

طبقه‌بندی موضوعی: H53, O50, O15

۱. کد DOI مقاله: 10.22051/IEDA.2023.42590.1343

۲. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسنده مسئول).
(ra.hosseinzadeh@eco.usb.ac.ir)

۳. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده کسب و کار و اقتصاد، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.
(d.keshavarz@pgu.ac.ir)

مقدمه

یکی از معضلات کنونی در جوامع بشری وجود نابرابری‌ها به خصوص نابرابری درآمدی است. نابرابری درآمدی را می‌توان نشانه‌ی بی‌عدالتی اقتصادی و فرصت‌های نابرابر افراد یک جامعه دانست. بر اساس نظر اندیشمندان حوزه اجتماعی و اقتصادی، نابرابری درآمدی سبب ایجاد مشکلات مختلف اقتصادی و اجتماعی خواهد شد. امروزه افزایش نابرابری درآمدی یکی از موانع اساسی برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در سراسر جهان مطرح شده است (حیدری و همکاران، ۱۴۰۰). پژوهش‌های انجام شده در کشورهای مختلف نشان داده است که نابرابری درآمدی اثر منفی بر رشد اقتصادی یک کشور دارد. بر اساس اهمیت نابرابری درآمدی در اثرگذاری بر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی، بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی و راهکارهای پیشگیری از آن همواره در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی مورد توجه سیاستگذاران در کشورهای مختلف بوده است.

بررسی نظر اقتصاددانان درباره عوامل ایجاد نابرابری درآمدی در یک کشور نشان می‌دهد که آنها متغیرهای متعددی را در نابرابری درآمدی مؤثر می‌دانند. متغیرهایی مانند سطح درآمد سرانه کشورها، سیاست‌های مالی دولت، تورم، نرخ ارز، بیکاری، سیاست‌های تجاری، عمق مالی، میزان نقدینگی و سیاست‌های پولی بانک مرکزی از جمله متغیرهای اقتصادی اثرگذار بر نابرابری از دیدگاه پژوهشگران هستند. برای مثال اسلاتجه و راج^۱ (۱۹۹۸) نشان دادند که با افزایش سطح درآمد سرانه در کشورها میزان نابرابری کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر کشورهای با درآمد بالا نسبت به کشورهای کم درآمد دارای نابرابری درآمد کمتری هستند.

علاوه بر متغیرهای ذکر شده، در سال‌های اخیر پژوهش‌های مختلفی انجام شده است که در آنها به نقش ریسک‌ها و بی‌ثباتی‌ها، از جمله ریسک‌های اقتصادی و مالی، بر نابرابری درآمد تأکید شده است. بر اساس این دیدگاه محیط و فضای اقتصادی و مالی نقش مهمی در شکل دادن به نابرابری درآمد در کشورهای مختلف بازی می‌کنند (بک و همکاران، ۲۰۰۷). وجود ریسک‌های اقتصادی و مالی در یک کشور می‌تواند به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم روی نابرابری درآمد در آن کشور مؤثر باشد. ریسک‌های اقتصادی و مالی به صورت مستقیم از طریق ایجاد فرصت‌های نابرابر کسب درآمد برای افراد مختلف و به صورت غیرمستقیم از طریق اثرگذاری منفی بر تولید و رشد اقتصادی بر میزان نابرابری درآمدی در یک کشور اثرگذار باشد (لیو و سیکولار، ۲۰۲۰).

بر اساس مطالب ذکر شده، بررسی اثر و میزان اثرگذاری هر یک از ریسک‌های اقتصادی و مالی بر نابرابری درآمدی می‌تواند زمینه مناسبی برای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاست‌های مناسب در زمینه کاهش نابرابری‌ها در جامعه فراهم نماید و از این حیث مطالعه حاضر دارای اهمیت بالایی می‌باشد. نکته مهم دیگر در این خصوص این است که ممکن است ریسک‌ها دارای اثرات متفاوتی در کوتاهمدت و

^۱ Slottje & Raj

^۲ Beck *et al.*

^۳ Luo & Sicular



بلندمدت بر نابرابری درآمدی داشته باشند و تفکیک اثرگذاری و میزان اثرگذاری در کوتاهمدت و بلندمدت می‌تواند دارای اهمیت بالایی باشد. به همین دلیل، هدف این مطالعه بررسی اثر ریسک‌های اقتصادی و مالی بر توزیع درآمد در کشورهای عضو D8 با استفاده از مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی در داده‌های پانل است.

تفاوت این مطالعه با مطالعات پیشین از دو جنبه است. جنبه اول از حیث بررسی اثرات کوتاهمدت و بلندمدت ریسک‌های اقتصادی و مالی بر نابرابری درآمدی که در سایر مطالعات نادیده گرفته شده است. جنبه دیگر تفاوت نیز در نظر گرفتن کشورهای دی هشت می‌باشد. گروه دی هشت (D8) شامل هشت کشور اسلامی از جمله ایران، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، اندونزی، مالزی، مصر و نیجریه است. اهداف اساسی تشکیل این گروه، بهبود موقعیت کشورهای عضو در اقتصاد جهانی، ایجاد فرصت‌های جدید در روابط تجاری و بهبود استانداردهای زندگی است. در اعلامیه‌ی این گروه، همکاری در زمینه‌های تجارت، صنعت، علوم و فناوری، توسعه روستایی و فقرزدایی، انرژی، محیط زیست و موارد متعدد دیگری را شامل می‌شود. یکی از اهداف تشکیل این گروه کاهش فقر و نابرابری بوده است.

ساختار پژوهش بدین‌صورت است که در قسمت دوم مبانی نظری و تجربی تحقیق ذکر می‌شود؛ قسمت سوم به بررسی روش تحقیق و داده‌های آماری خواهد پرداخت. در قسمت چهارم تحلیل نتایج و یافته‌های تحقیق ارائه شده است. در نهایت در قسمت پنجم نتیجه‌گیری و پیشنهادات تحقیق ارائه می‌شود.

مبانی نظری و تجربی تحقیق

در این بخش ابتدا به عوامل ایجاد کننده نابرابری پرداخته و پس از آن رابطه انواع ریسک‌ها و نابرابری بررسی می‌شود.

۱- بررسی نظریه‌های توزیع درآمد و ضریب جینی

یکی از پدیده‌های اجتماعی در دهه‌های اخیر در کشورهای مختلف دنیا، پدیده توزیع نابرابر درآمد بین افراد مختلف جامعه می‌باشد. این پدیده در طول دهه‌های مختلف به خصوص از دهه ۱۹۵۰ به بعد، توجه اندیشمندان اقتصادی را به خود جلب کرده است. قبل از این دهه بیشتر توجه اقتصاددانان به مسئله رشد اقتصادی بوده است و به مسئله توزیع درآمد اهمیت کمتری قایل بودند. البته کینز معتقد بود که در مرحله اول بایستی روی رشد اقتصادی متمرکز شد. زیرا قبل از افزایش تولید و استفاده افراد جامعه از فواید افزایش تولید، بایستی منابع موجود در درست عده‌ای خاص متمرکز شده و به سرمایه‌گذاری و تولید اختصاص یابد و سپس در مرحله بعد تمام افراد جامعه از این افزایش تولید منتفع شوند. (کفایی و درستکار، ۱۳۸۶).

کوزنتس از دیگر اندیشمندان اقتصادی است که بر روی توزیع درآمد و عوامل موثر بر آن مطالعات متعددی انجام داده است. وی نقش به‌سزایی در توسعه آمارهای توزیع درآمد داشته است. مطالعات وی در خصوص رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد منتج به ارایه منحنی کوزنتس شد. در این منحنی وی

یک رابطه U معکوس بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی را بیان کرده است. به عقیده وی نابرابری درآمدی در ابتدای دوره رشد اقتصادی بیشتر شده و در ادامه با ایجاد رشد اقتصادی بالاتر، نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد (شاکری و مالکی، ۱۳۸۸).

پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال رشد اقتصادی بالا، اقتصاددانان بار دیگر به دلایل ایجاد اختلاف در درآمد و توزیع نابرابر درآمدی در کشورهای مختلف پرداختند. به عبارت دیگر در انتهای دهه ۱۹۵۰ مطالعات زیادی در مورد دلیل تفاوت‌های درآمدی و عوامل ایجاد نابرابری درآمدی انجام شد و اقتصاددانان مختلف عوامل مختلفی را برای ایجاد نابرابری درآمدی در کشورهای مختلف توسعه یافته و در حال توسعه معرفی کردند. در این میان، فریدمن نقشی اساسی در توضیح عوامل مختلف در توزیع درآمد در کشورها داشته است. نظریه‌هایی مانند انتخاب فردی (فریدمن) میزان آموزش و سرمایه انسانی (بکر) از جمله نظریه های توزیع درآمد است که پس از دهه مذکور مطرح شدند.

۲- عوامل ایجاد کننده نابرابری

ادبیات گسترده‌ای در حوزه نابرابری و عوامل موثر بر آن وجود دارد و پژوهشگران حوزه‌های مختلف، عوامل متعددی را بر ایجاد نابرابری درآمد کشورها مدنظر قرار داده‌اند. بر اساس این دیدگاه‌ها، می‌توان عوامل اثرگذار بر نابرابری را در سه گروه کلی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی و سیاسی تقسیم‌بندی نمود. برخی از پژوهشگران بر عوامل اقتصادی تمرکز داشتند. برای مثال برخی از مطالعات عوامل اقتصادی مانند اشتغال، تورم، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، باز بودن تجاری، توسعه مالی را بر نابرابری موثر می‌دانند. مطالعاتی مانند لی و لی^۱ (۲۰۱۸)؛ رازا و همکاران^۲ (۲۰۱۷)، دلیس و همکاران^۳ (۲۰۱۴)، درهر و گاستون^۴ (۲۰۰۸)، هلپمن و همکاران^۵ (۲۰۱۰)، فانگ و همکاران^۶ (۲۰۲۱)، گوزگور و رانجان^۷ (۲۰۱۷)، لی و همکاران^۸ (۲۰۲۰)، شارما و آبکاه^۹ (۲۰۱۷)، نانزیری و واملوا (۲۰۲۱) و دی‌هان و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۸) در کشورهای مختلف انجام شده است که هر یک از این مطالعات روی متغیرهای مختلفی تاکید و تمرکز داشته‌اند. در مطالعات داخلی نیز هاتفی مجومرد و همکاران (۱۳۹۸)، حیدری و حسن زاده (۱۳۹۵)، پیرائی و بلیغ (۱۳۹۲)، شاکری و جهانگرد (۱۳۹۱) و فطرس و معبودی (۱۳۸۷) نیز

^۱ Lee & Lee

^۲ Raza *et al.*

^۳ Delis *et al.*

^۴ Dreher & Gaston,

^۵ Helpman *et al.*

^۶ Fang *et al.*

^۷ Gozgor & Ranjan

^۸ Lee *et al.*

^۹ Sharma & Abekah

^{۱۰} Nanziri & Wamalwa

^{۱۱} De Haan *et al.*



به این عوامل اشاره می‌کنند. برای مثال هاتفی مجومرد و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که رابطه‌ای علی بین نابرابری درآمد با متغیرهای مصرف، تولید ناخالص داخلی سرانه، تجارت و آموزش در مقطع ابتدایی وجود دارد. همچنین در بلندمدت افزایش باسواد، کاهش حجم پول، کاهش رشد اقتصادی، افزایش مصرف و کاهش توسعه‌ی مالی موجب افزایش نابرابری می‌شود.

گروه دیگر، بر روی عوامل اجتماعی و خصوصیات شخصی مانند جنس و سن افراد، امید به زندگی، نهادهای اجتماعی، سطح آموزش و بهداشت و ویژگی‌های جمعیتی تاکید داشتند. برای مثال، فورکری و استری^۱ (۲۰۱۹)، افقه و همکاران (۱۳۹۴)، مرادی و همکاران (۱۴۰۰) و شاه‌آبادی و ساری‌گل (۱۳۹۴) از این گروه مطالعات هستند. به عنوان مثال افقه و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که نابرابری آموزش با نابرابری درآمد ارتباط مستقیم داشته و سهم هزینه‌های آموزشی دولت با ضریب جینی درآمد، رابطه‌ی معکوس دارد.

در زمینه‌ی عوامل سیاسی می‌توان سیاست‌های دولت در توزیع منابع، آموزش و بهداشت، ویژگی‌های حکمرانی همانند فساد، حاکمیت قانون و سایر شاخص‌های حکمرانی اشاره کرد. ملکی^۲ (۲۰۲۲)، وو^۳ (۲۰۲۲)، برگ و همکاران^۴ (۲۰۱۸)، خداپرست داودی (۱۳۹۲) و ادیب‌پور و محمدی و بایی (۱۳۹۵) از جمله مطالعات داخلی و خارجی هستند که به اثرگذاری سیاست‌های دولت و حکمرانی و حاکمیت بر توزیع درآمد پرداختند.

۳- ریسک‌ها و نابرابری

نابرابری درآمد به دلیل ارتباط آن با یک سیستم اقتصادی، به طور گسترده در ادبیات نظری و تجربی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. مطالعات مختلف نشان داده است که کشورهای دارای شرایط نامطلوب داخلی، همانند بی‌ثباتی و ریسک سیاسی، کمبود سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی پایین، تورم مزمن و بالا، سطوح پایین سرمایه انسانی و سلامت عمومی، بی‌ثباتی کلان اقتصادی، نیروی کار غیرماهر و مؤسسات مالی ضعیف، سطح نابرابری بالاتری را تجربه می‌کنند. (کیفر و ناک^۵ (۲۰۰۲)، بامول^۶ (۲۰۰۷)، چانگویلیان و کیم^۷ (۲۰۱۶)، بریشا و همکاران^۸ (۲۰۲۰)، آیه و همکاران^۹ (۲۰۲۰)).

به طور کلی ریسک و بی‌ثباتی می‌تواند از کانال‌های مختلف بر نابرابری درآمدی در یک جامعه اثرگذار باشد. اولین کانال اثرگذاری ریسک و بی‌ثباتی بر توزیع درآمد از طریق مخارج و درآمدهای دولت (مالیات،

^۱Furceri & Ostry

^۲Melki

^۳Vu

^۴Berg *et al.*

^۵Keefer & Knack

^۶Baumol

^۷Chongvilaivan & Kim

^۸Berisha *et al.*

^۹Aye *et al.*

هزینه آموزش، یارانه‌های موثر و ...) اتفاق می‌افتد. دستیابی به توزیع برابر درآمد به به ظرفیت و تلاش دولت برای اجرای سیاست‌ها و اقدامات بازتوزیعی مانند مالیات‌ها، یارانه‌ها و سیاست‌های مالی بستگی دارد. نکته مهم، توزیع مجدد مالی ابزاری کلیدی است که به کاهش نابرابری کمک می‌کند. هرچند تأثیر توزیع مجدد مالی بر نابرابری درآمد به طور قابل توجهی بین اقتصادهای جهان متفاوت است. بی‌ثباتی ظرفیت دولت را برای ایجاد توزیع مجدد درآمد تضعیف می‌کند. این فرضیه بر این استدلال استوار است که کاهش نابرابری و فقر معمولاً به توانایی تدوین و اجرای اقدامات توزیعی مؤثر سیستم‌های مالیات بر درآمد پیشرفته و هزینه‌های عمومی بستگی دارد (راوالیون، ۲۰۱۰). بر این اساس در جوامعی که بی‌ثباتی شیوع بیشتری دارد، در مقایسه با کشورهای باثبات، برنامه‌ریزی مناسب مالی برای دولت که کلید ایجاد بازتوزیع تدریجی درآمد در جامعه هستند، دشوارتر است (بسلی و پرسون، ۲۰۱۴).

از دیگر عوامل اثرگذار بر نابرابری از این دیدگاه، عدم اطمینان است که افق تصمیم‌گیری سیاستگذاران را مختل می‌کند. به طور مثال در کشورهایی همانند ایران که اقتصاد، وابسته به نفت است تغییر درآمدهای نفتی - به دلیل تحریم یا تغییر قیمت نفت - سیاستگذاری در زمینه توزیع درآمد را مشکل ساخته و با ادامه سیاست پیشین را با هزینه‌هایی همانند تورم بالا یا رشد اقتصادی پایین مواجه می‌کند. این امر می‌تواند باعث توزیع نابرابر درآمد در کشور شود. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در کشورهای با سطوح بالاتر بی‌ثباتی، به دلیل اتخاذ سیاست‌های کوتاه‌بینانه و غیربهبینه، میزان توسعه‌نیافتگی پایین بوده و این کشورها با تورم بالا و همچنین فاصله طبقاتی و نابرابری‌های گسترده روبرو هستند (آزیمونتی، ۲۰۱۱). چاترجی و تورنوفسکی^۴ (۲۰۱۲) این نتیجه را تأیید کردند که بی‌ثباتی در مخارج دولت ممکن است نابرابری را در کوتاه‌مدت کاهش دهد ولی نابرابری را در بلندمدت افزایش دهد. علاوه بر این سارل^۵ (۱۹۹۷) به صورت مقطعی ثابت کرد که بی‌ثباتی مخارج دولت تأثیر قابل توجهی بر نابرابری درآمد ندارد.

کانال دیگر اثرگذاری بی‌ثباتی و ریسک بر اقتصاد و به دنبال آن بر نابرابری درآمد از طریق کانال سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه است. فقدان ثبات اقتصاد کلان با ایجاد فضایی از نااطمینانی و مخدوش نمودن اطلاعات صحیح از قیمت‌های نسبی، محاسبه بازدهی واقعی سرمایه‌گذاری را برای عوامل اقتصادی دشوار ساخته و بنابراین تخصیص ناکارآمد منابع را منجر شده و باعث تأثیر بر سرمایه‌گذاری داخلی، خارجی و فرار سرمایه شوند. در نتیجه تغییر این عوامل، رشد اقتصادی و نابرابری درآمد نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند (سلمانیپور زنوز و همکاران، ۱۳۹۷). نوسانات نرخ ارز نیز یکی دیگر از عوامل بسیار مهم در سرمایه‌گذاری داخلی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و خروج سرمایه است که در نهایت می‌تواند موجب بی‌ثباتی در بازارهای مالی و اثرگذاری بر توزیع درآمد و نابرابری درآمدی شود (ملکی، ۲۰۲۲)، سلمانیپور زنوز و همکاران (۱۳۹۷)، زارع و همکاران (۱۴۰۰)، جلالی و همکاران (۱۳۹۶).

^۱Ravallion
^۲Besley & Persson
^۳Azzimonti
^۴Chatterjee & Turnovsky
^۵Sarel

در نهایت بی‌ثباتی اقتصادی کلان را از کانال دلاری شدن اقتصاد با نابرابری درآمد مرتبط نمود. در این مسیر، اقتصادهای بی‌ثبات که عموماً با تورم بالا همراه هستند، با شرایطی روبه‌رو می‌شوند که برخلاف تمایل مقامات پولی، افراد برای حفظ قدرت خرید درآمد پولی و دارایی‌های خود در برابر تأثیرات منفی نرخ بالای تورم، اقدام به جایگزینی پول خارجی با پول ملی می‌کنند که ساده‌ترین پیامد این اقدام، افزایش تقاضای پول‌های خارجی است که در نظام‌های ارزی شناور و شناور مدیریت شده، انتظار می‌رود. این رفتار افراد جامعه، با افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی) همراه شود؛ بنابراین، بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر نرخ ارز از طریق کانال‌های فرار سرمایه و دلاری شدن، تأثیرگذار است (زروکی و همکاران ۱۴۰۰، ب).

۴- مطالعات پیشین

دیتا و حیات^۱ (۲۰۱۷) رابطه بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و نابرابری درآمد را با استفاده از داده‌های پانل ۲۲ کشور درحال توسعه طی دوره ۱۹۹۲-۲۰۱۴ مورد آزمون قرار دادند. یافته‌های این مطالعه، نشان می‌دهد که بی‌ثباتی اقتصاد کلان به طور قابل توجهی، نابرابری در درآمد را افزایش می‌دهد و این رابطه، هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت، دوطرفه است. لی و لی^۲ (۲۰۱۸)، تأثیر ریسک کشور را بر نابرابری درآمد برای ۱۱۰ کشور بررسی کردند؛ نتایج آنها نشان می‌دهد که ریسک‌های اقتصادی و سیاسی بالاتر، عموماً منجر به نابرابری بالاتر شده و کشورهای کم درآمد، نابرابری درآمد بیشتری دارند. چيو و لی^۳ (۲۰۱۹)، اثرات غیرخطی توسعه‌ی مالی و ریسک‌های کشور را بر نابرابری درآمدی در ۵۹ کشور در دوره ۱۹۸۵-۲۰۱۵ بررسی کردند. نتایج مطالعه آنها نشان داده است که بین نابرابری درآمد، توسعه‌ی مالی و ریسک‌های کشوری، ارتباط مثبت وجود دارد. لی و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر جهانی‌سازی بر نابرابری درآمد با تاکید بر ریسک‌های سیاسی، مالی و اقتصادی برای مجموعه از ۱۲۱ کشور از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۱۴ پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهد که جهانی شدن، توزیع درآمد را بدتر می‌کند؛ در حالی که ثبات اقتصادی و مالی می‌تواند اثر نامطلوب را کاهش دهد. علاوه بر این، کشورهای کم درآمد معمولاً نابرابری بالاتری دارند که ناشی از جهانی شدن است. لی و وانگ^۴ (۲۰۲۱) به بررسی رابطه‌ی بین پیچیدگی اقتصادی، نابرابری درآمد، و ریسک کشور با استفاده از داده‌های تابلویی متوازن از ۴۳ کشور از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که در دو گروه از کشورها، افزایش پیچیدگی اقتصادی تأثیری بر نابرابری درآمد در گروه A ندارد، در حالی که بهبود بهره‌وری، شکاف درآمدی را در گروه B کاهش می‌دهد. ریسک کشور و اجزای فرعی آن (یعنی ریسک اقتصادی، ریسک مالی و ریسک سیاسی) همگی بر نابرابری تأثیر می‌گذارند. وو و همکاران^۵ (۲۰۲۲) به بررسی اثرات ریسک‌های کشور (اندازه‌گیری شده با ریسک‌های اقتصادی/مالی و سیاسی) و ریسک‌های ژئوپلیتیکی بر نابرابری درآمد در مجموعه داده‌های پانل ۱۹ اقتصاد بازار نوظهور از

^۱ Ditta & Hayat

^۲ Lee & Lee

^۳ Chiu & Lee

^۴ Lee & Wang

^۵ Wu et al.

سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۲۰ می‌پردازد و مشاهده می‌شود که ریسک اثر مثبت بر نابرابری درآمد دارد. زروکی و همکاران (۱۴۰۰، ب) به بررسی اثر نامتقارن بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر نابرابری درآمد در ایران برای دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۷ پرداختند. نتایج حاکی از آن است که در هر دو قالب متقارن و نامتقارن، بی‌ثباتی اقتصاد کلان، اثری مستقیم بر توزیع درآمد دارد؛ به نحوی که بر مبنای الگوی نامتقارن، افزایش‌ها در بی‌ثباتی اقتصاد کلان، نابرابری درآمد را افزایش (اثر نامطلوب)، و کاهش‌ها در آن، نابرابری را کاهش (اثر مطلوب) می‌دهد. از حیث اندازه اثر، کاهش در بی‌ثباتی اقتصاد کلان، بیش از افزایش‌ها در بی‌ثباتی، بر نابرابری درآمد اثرگذار است. علاوه بر این، در هر دو قالب متقارن و نامتقارن، افزایش در مالیات مستقیم و قیمت انرژی، نابرابری درآمد را کاهش و افزایش در مالیات غیرمستقیم، نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد.

روش تحقیق و داده‌های آماری

در این مطالعه به تبعیت از لی و لی (۲۰۱۸) از مدل زیر برای بررسی اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت ریسک اقتصادی و مالی بر ضریب جینی (توزیع درآمد) استفاده می‌شود.

$$\ln Gini_{it} = \beta_0 + \beta_1 \ln ER_{it} + \beta_2 \ln FR_{it} + \beta_3 \ln PGDP_{it} + \beta_4 \ln TOP_{it} + \beta_5 \ln GE_{it} + u_{it} \quad (1)$$

در این رابطه، $\ln Gini_{it}$ متغیر وابسته و لگاریتم طبیعی ضریب جینی در کشور i در زمان t می‌باشد. همچنین ER و FR به ترتیب شاخص ریسک اقتصادی و مالی است. $PGDP$ نشان دهنده‌ی تولید سرانه، TOP ، شاخص باز بودن تجاری و GE نیز مخارج دولت هستند. کشورهای مورد مطالعه در این پژوهش، کشورهای گروه دی هشت (D8) شامل بنگلادش، ایران، اندونزی، مالزی، مصر، نیجریه، پاکستان و ترکیه می‌باشد. داده‌های مورد استفاده در این تحقیق شامل تولید ناخالص داخلی سرانه، مخارج دولتی، سرمایه‌گذاری، باز بودن تجاری و ضریب جینی از داده‌های بانک جهانی اخذ شده است. همچنین اطلاعات مربوط به ریسک‌های اقتصادی و مالی از داده‌های بین‌المللی راهنمای ریسک کشورها (ICGR) استفاده شده است.

مؤلفه‌های ریسک سیاسی در این شاخص شامل ثبات دولت، شرایط اقتصادی اجتماعی، افق سرمایه‌گذاری، تنش داخلی، تنش خارجی، فساد، دخالت نظامی در امور سیاسی، تنش‌های مذهبی و قومی، نظم و قانون، پاسخگویی دموکراتیک و کیفیت بروکراسی است که توسط موسسه برای رتبه‌بندی کشورهای مختلف طراحی شده است. هدف از رتبه‌بندی ریسک سیاسی ارائه ابزاری برای ارزیابی ثبات سیاسی کشورهاست که قابلیت مقایسه با یکدیگر را داشته باشند توالی و امتیاز هر مؤلفه متفاوت از یکدیگر است. حداکثر شاخص ریسک سیاسی ۱۰۰ است و اگر کشوری امتیاز آن به عدد ۱۰۰ نزدیکتر باشد جز کشور با ریسک سیاسی پایین طبقه‌بندی می‌شود. به‌طور کلی، ریسک سیاسی از صفر تا ۴۹/۹ نشان‌دهنده ریسک

^۱ Lee & Lee

^۲ International Country Risk Guide (ICRG)



بسیار بالا است. محدوده ۵۰ تا ۵۹/۹ میزان ریسک بالا را نشان می‌دهد. محدوده ۶۰ تا ۶۹/۹ ریسک متوسط؛ ۷۰ تا ۷۹/۹ میزان کم ریسک؛ و مقدار ۸۰ و یا بیشتر از آن نشان‌دهنده ریسک بسیار پایین است. مؤلفه‌های ریسک اقتصادی شامل، تولید ناخالص داخلی سرانه، رشد اقتصادی حقیقی، نرخ تورم، کسری بودجه به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی سرانه و کسری تراز تجاری به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی سرانه است. به طور کلی، اگر شاخص به دست آمده بین صفر تا ۲۴/۵ باشد، نشان‌دهنده سطح ریسک بسیار بالا در یک اقتصاد است. مقادیر این شاخص اگر در محدوده ۲۵ تا ۲۹/۹ باشد، نشان-دهنده ریسک بالاست. محدوده ۳۰ تا ۳۴/۹ نشان‌دهنده ریسک متوسط؛ ۳۵ تا ۳۹/۹ محدوده کم ریسک و محدوده ۴۰ و یا بیشتر نشان‌دهنده ریسک بسیار کم است.

رهیافت خودتوضیحی با وقفه‌های توزیعی (گسترده) در داده‌های پانل (Panel ARDL) دارای ویژگی‌های مناسبی است که موجب شده در مطالعات جدید بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. برای نمونه، این روش در مواردی که متغیرهای مورد استفاده در مدل در یک سطح ایستا نباشند. برای نمونه تعدادی در سطح مانا باشند و تعدادی با یک بار تفاضل‌گیری مانا می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. رهیافت خودتوضیحی با وقفه‌های گسترده پنلی دارای سه ساختار یا روش متفاوت برآورد روابط کوتاه مدت و بلندمدت است، که شامل روش میان گروهی (MG)، روش میان گروهی تلفیقی (PMG) و روش اثرات ثابت پویا (DFE) است. هر سه روش یادشده از برآوردگر حداکثر راستنمایی استفاده می‌کنند.

اولین ساختار رهیافت خودتوضیحی با وقفه‌های گسترده پنلی، روش میان گروهی (MG) است که توسط پسران و اسمیت (۱۹۹۵) ارائه شد. این روش ضرایب بلندمدت را با میانگین‌گیری از ضرایب بلندمدت برآوردشده برای هر مقطع عرضی (مثلاً برای هر کشور) به دست می‌آورد. این چارچوب برای هر مقطع (کشور یا استان) یک ضریب جداگانه برآورد کرده و سپس، پارامترها را با میانگین‌گیری غیروزی از ضرایب برآوردشده برای هر مقطع بدون اعمال هیچگونه محدودیتی، اندازه‌گیری می‌کند. از این رو، ضرایب کوتاه‌مدت و بلندمدت برآوردشده در روش میان گروهی ممکن است ناهمگن باشند. به بیان بهتر، در این روش، عرض از مبدأ، ضرایب برآوردی و خطای معیار برای هر مقطع متفاوت است (منجذب و دهقانی، ۱۳۹۸).

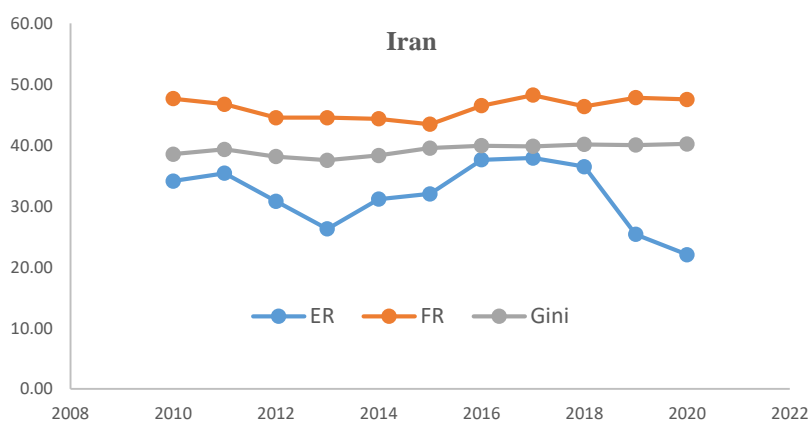
روش میان گروهی تلفیقی (PMG) توسط پسران و همکاران^۱ (۱۹۹۹) توسعه داده شد. این روش ضرایب همگنی را برای تمام مقطع‌ها در بلندمدت برآورد می‌کند. در این روش ضرایب کوتاه‌مدت برآوردشده برای هر مقطع به منظور تعدیل به سمت تعادل بلندمدت، ناهمگن هستند. همچنین در روش میان گروهی تلفیقی، علامت ضریب تصحیح خطا باید منفی به دست آید و جملات پسماند مدل تصحیح خطا در این روش باید الزاماً خود ناهمبسته باشند. در روش اثرات ثابت پویا (DFE) مانند روش میان گروهی تلفیقی ضرایب همجمعی بلندمدت برآوردشده برای تمام مقاطع یکسان است. در مقابل، روش اثرات ثابت پویا برخلاف روش میان گروهی تلفیقی دارای سرعت تعدیل کمتری است و ضرایب کوتاه مدت آن همگن هستند. همچنین روش اثرات ثابت پویا دارای مشکل اریب همزمانی معادلات است. هر سه برآوردگر در فرایند تعدیل پویا، ناهمگنی و تعادل بلندمدت را در نظر می‌گیرند (پسران و همکاران، ۱۹۹۹).



تحلیل نتایج و یافته‌های تحقیق

۱- تحلیل اجمالی داده‌ها

نمودار (۱) تغییرات شاخص ضریب جینی، ریسک مالی و ریسک اقتصادی را در دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۰ در کشور ایران نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات نمودار شاخص ریسک مالی به لحاظ عددی بزرگتر از ریسک اقتصادی می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که درجه‌ی بی‌ثباتی‌های اقتصادی در کشور، بیشتر از درجه‌ی بی‌ثباتی‌های مالی است.



نمودار ۱. تغییرات شاخص‌های ریسک اقتصادی، مالی و ضریب جینی در کشور
 مأخذ: شاخص توسعه جهانی و راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها (ICRG & WDI)

از سوی دیگر شاخص ریسک اقتصادی دارای روند نوسانی‌تری نسبت به ریسک مالی است. این امر می‌تواند به دلیل تغییر سیاست‌های داخلی دولت در اثر تغییر دولت‌های مختلف در کشور باشد. همچنین بر اساس نمودار می‌توان گفت که روند تغییرات ضریب جینی تقریباً با روند تغییرات ریسک مالی یکسان است و هر دو متغیر نوسانات کمتری نسبت به شاخص ریسک اقتصادی داشته‌اند.

جدول (۱) آمار توصیفی داده‌های ریسک اقتصادی و ریسک مالی را در کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات جدول، مقدار حداکثر شاخص ریسک اقتصادی در ایران برابر ۴۱ و حداقل آن برابر ۲۱/۵ بوده است. میانگین شاخص ریسک اقتصادی در ایران نیز برابر ۳۱/۶۷ می‌باشد. این مقدار در محدود ریسک متوسط (محدوده ۳۰ تا ۳۴/۹) قرار دارد. ولی طبق نمودار در سال‌های ۲۰۱۹ میزان ریسک اقتصادی در محدوده ریسک بالا (۲۵/۳۳) و در سال ۲۰۲۰ در محدوده ریسک بسیار بالا (۲۱/۷) قرار دارد. کشور مصر بیشترین میانگین بی‌ثباتی و ریسک را در بین کشورهای مورد بررسی داشته است. میانگین شاخص ریسک اقتصادی این کشور برابر ۲۹/۴۵ و در محدوده ریسک بالا (۲۵-۲۹/۹) قرار دارد. پس از آن کشور ایران با میانگین ۳۱/۶۷ بالاترین سطح ریسک اقتصادی را دارد. کمترین میانگین ریسک و بی‌ثباتی

اقتصادی نیز متعلق به کشور مالزی با میانگین $40/17$ (سطح ریسک بسیار کم) می‌باشد. کشور اندونزی با میانگین شاخص ریسک اقتصادی $36/33$ (سطح ریسک کم) رتبه دوم را از نظر ثبات اقتصادی دارد.

جدول ۱. توصیف آماری شاخص‌های ریسک مالی و اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه

کشور/شاخص	ریسک اقتصادی			ریسک مالی		
	حداکثر	حداقل	میانگین	حداکثر	حداقل	میانگین
بنگلادش	35/37	33/5	34/84	44/83	35/21	42/76
مصر	36/5	27/00	29/45	42/75	29/17	38/72
اندونزی	38/00	34/38	36/33	41/5	30/5	40/26
ایران	41/00	21/5	31/67	48/21	36/42	45/45
مالزی	42/5	37/33	40/17	43/58	28/58	41/19
نیجریه	39/33	28/58	34/42	48/13	35/67	45/14
پاکستان	36/67	28/71	31/83	42/04	30/5	37/28
ترکیه	35/92	26/79	34/25	37/5	24/00	35/05

مأخذ: محاسبات پژوهش

۲- نتایج تجربی مدل

در مدل‌های اقتصادسنجی دارای دوره زمانی، برای اینکه تخمین مدل غیرکاذب باشد، بایستی متغیرهای مورد استفاده در مدل رگرسیون پایا بوده یا ترکیب آنها پایا باشد. در صورتی که داده‌های مورد استفاده در یک تحقیق غیرپایا باشند، احتمال اینکه نتایج حاصل از تخمین مدل، غیرواقعی و کاذب باشد، وجود خواهد داشت. به عبارت دیگر، یکی از شرط‌های اولیه برای قابل اعتماد بودن نتایج تخمین شرط پایایی متغیرهای مورد استفاده در تحقیق است. برای بررسی پایا بودن داده‌ها، آزمون‌های متعددی معرفی شده است. گروه اول از آزمون‌ها موسوم به آزمون‌های ریشه واحد نسل اول است که فرض اساسی این آزمون‌ها بر عدم وابستگی بین مقاطع می‌باشد. گروه دوم از آزمون‌ها موسوم به آزمون‌های نسل دوم هستند که در صورت وابستگی بین مقاطع مختلف بایستی از آنها استفاده کرد. در صورتی که استقلال مقاطع تأیید شود می‌توان از آزمون‌های نسل اول ریشه واحد برای بررسی پایا بودن داده‌های مدل استفاده کرد. در غیر این صورت بایستی از آزمون‌های نسل دوم ریشه واحد مانند ADF تعمیم یافته برای مقاطع (CADF) برای بررسی پایایی داده‌ها استفاده نمود.

بر اساس مطالب بالا، نخستین مرحله در اقتصادسنجی داده‌های پانلی تشخیص استقلال مقطعی داده‌هاست. در این مطالعه از آزمون CD پسران استفاده می‌شود. فرضیه صفر این آزمون مبنی بر استقلال مقطعی بین مقاطع مختلف است.

جدول (۲) نتیجه آزمون وابستگی مقاطع را نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات جدول فرضیه صفر آزمون پذیرفته شده و استقلال مقاطع در داده‌های مورد استفاده مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۲. آزمون وابستگی مقطعی پسران

آماره	سطح احتمال	نتیجه
۰/۹۴	۰/۳۶	استقلال مقاطع

مأخذ: نتایج تحقیق

پس از تایید استقلال داده‌های مقطعی از یکدیگر می‌توان از آزمون‌های نسل اول ریشه واحد استفاده نمود. به همین علت در مرحله بعد از آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو (LLC) برای بررسی پایایی داده‌ها استفاده می‌شود. نتایج آزمون پایایی در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون ریشه واحد (لوین، لین، چو)

متغیر	آماره	سطح احتمال	نتیجه
لگاریتم توزیع درآمد (Gini)	-۲/۸۲	۰/۰۰۲	پایا
لگاریتم ریسک اقتصادی (ER)	-۲/۳۴	۰/۰۰۹	پایا
لگاریتم ریسک مالی (FR)	-۴/۴۶	۰/۰۰	پایا
لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه (PGDP)	-۲/۵۲	۰/۰۴	پایا
لگاریتم مخارج دولتی (GE)	-۲/۴	۰/۰۰۸	پایا
لگاریتم تشکیل سرمایه (K)	-۲/۳۴	۰/۰۰۹	پایا
لگاریتم باز بودن تجاری (TOP)	-۲/۳۱	۰/۰۰۴	پایا

مأخذ: نتایج تحقیق

همان‌طور که اطلاعات جدول نشان می‌دهد همه متغیرهای مورد استفاده در این مدل پایا هستند. بنابراین بدون نگرانی از بابت وجود رگرسیون کاذب می‌توان تخمین مدل را با داده‌های مورد نظر انجام داد. پس از اطمینان از این نکته که هیچ کدام از متغیرهای تحقیق I(2) نیستند، مرحله بعد تشخیص روش مناسب از بین سه نوع تخمین‌زن می‌باشد. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب مدل مناسب در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج انتخاب مدل مناسب

آزمون هاسمن	انتخاب بین MG و PMG	انتخاب بین DFE و PMG
مقدار آماره کای مربع	۱/۱۵	۳/۷۴
سطح احتمال	۰/۶۳	۰/۴۲

مأخذ: نتایج تحقیق

مقدار آماره و سطح احتمال آن در جدول نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر کارا و سازگار بودن تخمین‌زن PMG نسبت به تخمین‌زن‌های MG و DFE است، مورد پذیرش قرار می‌گیرد. بنابراین مدل بایستی با استفاده از روش PMG تخمین زده شود. قبل از برآورد مدل باید تعداد وقفه‌های مناسب با



معیارهای اطلاعات مشخص گردد. در این مطالعه، وقفه بهینه بر اساس معیار شوارتز-بیزین (SBC) انتخاب شد و مدل بهینه به صورت $PANEL\ ARDL(1,1,1,2,1,1)$ می‌باشد. نتایج تخمین مدل در جدول (۵) نشان داده شده است.

جدول ۵. نتایج تخمین مدل

متغیر	نماد متغیر	ضریب	سطح معناداری
ضرایب کوتاه مدت	ریسک اقتصادی	ER	-۰/۱۹
	ریسک مالی	FR	-۰/۳۷
	تولید ناخالص سرانه	PGDP	۰/۵۵
	مخارج دولتی	GE	-۰/۱۱
	بازبودن تجاری	TOP	۰/۰۸
ضرایب بلندمدت	ریسک اقتصادی	ER	-۰/۳۲
	ریسک مالی	FR	-۰/۶۵
	تولید ناخالص سرانه	PGDP	۰/۷۳
	مخارج دولتی	GE	-۰/۲۱
	بازبودن تجاری	TOP	۰/۱
	ECT (-1)	-۰/۲۴	۰/۰۰۳

ماخذ: محاسبات پژوهش

بر اساس نتایج مدل، افزایش شاخص ریسک‌های مالی و اقتصادی (کاهش ریسک‌ها) هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت موجب کاهش ضریب جینی در کشورهای مورد مطالعه شده است. به بیان دیگر کاهش میزان ریسک‌های اقتصادی و مالی هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت موجب کاهش نابرابری درآمدی در کشورهای مورد مطالعه شده است. مقایسه ضرایب کوتاه‌مدت و بلندمدت مربوط به این دو شاخص نشان می‌دهد که اثرات بلندمدت افزایش ریسک‌های اقتصادی و مالی از اثرات کوتاه‌مدت آنها بیشتر است. به عبارت دیگر اثرات ریسک‌های اقتصادی و مالی در بلندمدت موجب نابرابری بیشتر درآمدی در جامعه می‌شود. همچنین ضرایب کوتاه مدت و بلندمدت مربوط به ریسک مالی بزرگتر از ریسک اقتصادی است. بنابراین می‌توان گفت اثرگذاری ریسک مالی بر توزیع درآمد بزرگتر از اثرگذاری ریسک اقتصادی بر توزیع درآمد است.

نتایج مدل همچنین نشان داده است که تولید ناخالص داخلی سرانه، در کوتاه‌مدت اثری بر نابرابری درآمد در کشورهای مورد مطالعه نداشته است. ولی در بلندمدت موجب افزایش ضریب جینی در کشورهای مورد مطالعه شده است. این نتیجه مطابق با فرضیه کوزنتس است که در آن، افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه در ابتدا (مراحل اولیه رشد اقتصادی)، توزیع درآمد را بدتر می‌کند، سپس به مرور زمان همراه با سیاست‌های مکمل در کنار افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه، توزیع درآمد بهتر می‌شود.

اثرگذاری مخارج دولت در کوتاه‌مدت بر ضریب جینی منفی است ولی از لحاظ آماری معنادار نیست. همچنین ضریب بلندمدت این متغیر بر ضریب جینی منفی و معنادار به دست آمده است. این امر به معنای این است که با افزایش مخارج دولتی در کشورهای مورد مطالعه، نابرابری درآمدی در این کشورها کاهش یافته است.



در مورد اثرگذاری باز بودن تجاری بر توزیع درآمد، نظریه‌های مختلفی وجود دارد. برخی از اقتصاددانان نسبت به جهانی‌شدن اقتصاد و گسترش تجارت جهانی خوش‌بین هستند. بر اساس عقیده‌ی آنها، گسترش تجارت جهانی و باز شدن بیشتر اقتصاد یک کشور، موجب افزایش کارایی اقتصاد شده و تخصیص منابع نیز موثرتر خواهد بود. به عبارت دیگر، منابع از جهت‌گیری‌های کم ارزش، به مصارف سازنده‌تر هدایت شده و موجب تشدید رقابت در جامعه و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر برای افراد جامعه می‌شود. این امر در نهایت موجب توزیع بهتر درآمد در جامعه خواهد شد. از طرفی مطابق دیدگاه بدبینانه و از نظر منتقدین، جهانی‌شدن و باز بودن تجاری موجب بدتر شدن توزیع درآمد در جامعه می‌گردد. زیرا موجب توزیع نابرابر سودها و زیان‌ها در جامعه می‌شود. این نابرابری و عدم توازن موجب قطب‌بندی مناطق ثروتمند و فقیر از یک طرف و گروه‌های ثروتمند و فقیر در داخل جوامع از طرف دیگر، می‌شود. به عبارت بهتر می‌توان گفت که جهانی‌شدن موجب افزایش امتیازات طبقه‌ی ممتاز می‌گردد؛ زیرا گروه‌های ثروتمند بخش عمده‌ی منافع ناشی از جهانی‌شدن را به خود اختصاص می‌دهند. بنابراین نتیجه‌ی به دست آمده در این مطالعه مطابق با نظریه‌ی بدبینان است که معتقدند، جهانی‌شدن و باز بودن تجاری موجب بدتر شدن توزیع درآمد و افزایش نابرابری درآمدی در جامعه می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

نحوه توزیع درآمد در یک جامعه هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. به دلیل اهمیت بالای نابرابری درآمد در جامعه، مطالعات زیادی در ارتباط با عوامل اثرگذار بر توزیع درآمد صورت گرفته است و متغیرهای مختلفی شناسایی شده است که روی نابرابری درآمد اثرگذار هستند. در این مطالعه سعی بر این بوده است که اثرگذاری متغیرهایی مورد بررسی قرار گیرد که کمتر مورد توجه بوده است و از سوی دیگر انتظار بر این است که این متغیرها اثرگذاری بالایی بر نابرابری درآمد داشته باشند. از این‌رو، در این پژوهش با استفاده از داده‌های ۸ کشور عضو دی هشت (D8) در دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۰ به بررسی اثر متغیرهای مختلف از جمله ریسک اقتصادی و مالی و همچنین شاخص باز بودن تجاری، تولید ناخالص داخلی سرانه، هزینه‌های دولت، بر روی شاخص ضریب جینی پرداخته شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، به روش پانل ARDL می‌باشد.

نتایج تخمین مدل نشان داد که دو شاخص ریسک اقتصادی و مالی، هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت اثر منفی و معنادار بر ضریب جینی دارند ولی شاخص‌های دیگر نظیر مخارج دولت، تولید سرانه و باز بودن تجاری در کوتاه‌مدت اثر معناداری بر توزیع درآمد در کشورهای مورد مطالعه نداشته‌اند. بنابراین پیشنهاد می‌شود تا سیاست‌گذاران توجه ویژه‌ای به کاهش ریسک‌های اقتصادی و مالی برای بهبود توزیع درآمد در کوتاه‌مدت داشته باشند. به عبارت دیگر در برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت برای بهبود توزیع درآمد در جامعه بایستی کاهش ریسک‌های اقتصادی و مالی در اولویت باشند. با افزایش نوسانات و بی‌ثباتی‌های اقتصادی و مالی در جامعه انتظار بر این است که توزیع درآمد بدتر شود و با ایجاد آرامش و ثبات در بازارهای مالی و وضعیت اقتصادی انتظار بر این است که توزیع درآمد بهبود یابد. از سوی دیگر نتایج تحقیق نشان



داده است که درجه و میزان اثرگذاری ریسک اقتصادی، بالاتر از ریسک مالی است. بنابراین می‌توان پیشنهاد نمود که دولت‌ها و سیاست‌گذاران اقتصادی و مالی در کشور بایستی توجه ویژه‌ای برای کاهش بی‌ثباتی و نوسانات در اقتصاد داشته باشند. انضباط مالی دولت، به کارگیری سیاست‌های ضدتورمی مانند قاعده پولی منظم توسط بانک مرکزی در کشورهای مورد مطالعه از جمله سیاست‌هایی است که می‌تواند موجب ریسک و بی‌ثباتی اقتصادی کمتر در جامعه شود و به بهبود توزیع درآمد در جامعه کمک کند. اثرگذاری مخارج دولت در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر ضریب جینی منفی است. ضریب بلندمدت این متغیر بر ضریب جینی منفی و معنادار به دست آمده است. این امر به معنای این است که با افزایش مخارج دولتی در کشورهای مورد مطالعه، نابرابری درآمدی در این کشورها کاهش یافته است. به عبارت دیگر مخارج دولتی موجب بهبود توزیع درآمد و در راستای کاهش نابرابری درآمدی در این کشورها بوده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود تا دولت‌ها ضمن توجه به افزایش مخارج خود در داخل کشور برای کاهش نابرابری‌ها، توجه ویژه‌ای نیز برای کارآمدسازی مخارج برای بهبود معیشت و افزایش سهم طبقات پایین درآمدی داشته باشند. همان طور که ذکر شد، در مورد اثرگذاری بازبودن تجاری بر توزیع درآمد، نظریه‌های مختلفی وجود دارد. نتایج این مطالعه نشان داد که در کوتاه‌مدت این شاخص اثر معناداری بر توزیع درآمد نداشته ولی در بلندمدت اثر مثبت و معنادار بر ضریب جینی داشته است. یعنی بازبودن تجاری موجب بدتر شدن توزیع درآمد و افزایش نابرابری درآمدی در کشورهای مورد بررسی شده است. این امر نشان می‌دهد که تنها گروه خاصی از افراد جامعه از مزایای حاصل از تجارت جهانی سود برده و گروه دیگر بهره‌ای از این باز بودن تجارت نداشته‌اند. این امر می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. رانت‌ها و انحصار در صادرات و واردات می‌تواند یکی از این دلایل باشد. وجود انحصار در صادرات و همچنین واردات کالاهای خاص برای افراد خاص، ایجاد محدودیت برای صادرات و واردات برخی دیگر از کالاها برای افراد دیگر می‌تواند موجب شود تا گروه اول منافع زیادی از تجارت و باز بودن تجاری ببرند و یک نابرابری درآمدی در جامعه ایجاد شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود تا دولت برنامه‌ریزی مناسبی برای حذف رانت‌ها و انحصارات در حوزه صادرات و واردات انجام دهد تا همه گروه‌های از منافع ناشی از تجارت و باز بودن تجاری بهره‌مند گردند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- ادیب پور، مهدی و محمدی ویایی، آزاده. (۱۳۹۵). اثر فساد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد. *سیاست های راهبردی و کلان*، ۱۴(۴)، ۱۶۸-۱۵۳.
- افقه، سید مرتضی و غرافی، مائده. (۱۳۹۴). نابرابری آموزش بر توزیع درآمد در ایران. *فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۴(۱۶)، ۱۷۹-۲۰۳.
- پیرائی، خسرو و بلیغ، نفیسه. (۱۳۹۲). رابطه توسعه مالی و نابرابری درآمدی در ایران. *پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۵(۳)، ۱-۲۱.
- جلالی، ام البنین؛ انصاری سامانی، حبیب و هاتفی مجومرد، مجید. (۱۳۹۶). اثر ریسک سیاسی بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران. *پژوهش های رشد و توسعه پایدار*، ۴(۱۷)، ۱۷۴-۱۵۷.
- حیدری، حسن و حسن زاده، اکبر. (۱۳۹۵). رابطه نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی در ایران. *رفاه اجتماعی*، ۱۶(۶۳)، ۸۹-۱۲۵.
- حیدری، حسین؛ ابونوری، اسمعیل؛ جعفری صمیمی، احمد و نادمی، یونس. (۱۴۰۰). برآورد نابرابری درآمد و فقر شهری و روستایی استان هرمزگان در مقایسه با کل کشور. *فصلنامه علمی مدل سازی اقتصادی*، ۱۵(۵۳)، ۱-۲۴.
- خداپرست داودی، آزاده. (۱۳۹۲). هزینه های دولت و کاهش فقر و نابرابری. *سیاست های راهبردی و کلان*، ۱(۴)، ۳۷-۵۰.
- زارع، محمد حسن؛ انصاری سامانی، حبیب؛ نامداری، سیمین، محمودی، زهرا. (۱۴۰۰). تأثیر ریسک اقتصادی، سیاسی و مالی بر فرار سرمایه: رهیافت پنل پویا. *اقتصاد و تجارت نوین*، ۱۶(۱)، ۶۰-۸۰.
- زروکی، شهریار؛ عبدی سید کلایی، محمد و یوسفی بارفروشی، آرمان. (۱۴۰۰). تحلیل نقش بی ثباتی اقتصاد کلان بر نابرابری درآمد در ایران. *پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۲۱(۴)، ۳۷-۶۶.
- زروکی، شهریار؛ یوسفی بارفروشی، آرمان و مهری کارنامی، یاسر. (۱۴۰۰). اثر شکاف نرخ ارز و نامتقارنی تورم و بیکاری بر نابرابری درآمد در ایران. *نظریه های کاربردی اقتصاد*، ۲۴(۷)، ۱۱۷-۱۴۸.
- شاگری، عباس و جهانگرد، اسفندیار. (۱۳۹۱). اثر غیرخطی تورم بر نابرابری درآمد در ایران. *پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۳(۴)، ۲۷-۵۳.
- شاگری، عباس و مالکی، امین. (۱۳۸۸). تحول در اندیشه توزیع درآمد در قرن بیستم. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۹(۱۴)، ۵۷-۸۸.
- شاه آبادی، ابوالفضل و ساری گل، سارا. (۱۳۹۴). تأثیر حقوق مالکیت فکری بر نابرابری درآمد در کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته منتخب. *فصلنامه علمی نظریه های کاربردی اقتصاد*، ۲(۱)، ۶۳-۸۲.
- فطرس، محمدحسن و معبودی، عیسی. (۱۳۸۷). رابطه بین نابرابری درآمد و نابرابری مخارج مصرفی. *رفاه اجتماعی*، ۴۰(۱۱)، ۳۴۱-۳۶۶.
- کفایی، سیدمحمدعلی و در ستکار، عزت الله. (۱۳۸۶). تاثیر آموزش رسمی بر توزیع درآمد در ایران. *فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران*، ۹(۳۰)، ۵۳-۷۶.



مرادی، فاطمه؛ جعفری، محمد و فتاحی، شهرام. (۱۴۰۰). تأثیر شاخص فلاکت و کنترل فساد بر نابرابری درآمد؛ با رویکرد کوانتایل. *فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۱۰(۴۰)، ۲۴۱-۲۷۹.

منجذب، محمدرضا و دهقانی، لیلا. (۱۳۹۸). برآورد ظرفیت بیمه عمر در ایران با رویکرد پانل ARDL. *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۰(۳۷)، ۳۹-۶۷.

هاتفی مجومرد، مجید؛ ظاهری عبده‌وند، عزیز و صادقی، علی. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر در نابرابری درآمد در ایران با تأکید بر عمق مالی و آموزش. *فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی*، ۱۲(۴۲)، ۶۹۵-۷۲۰.

References

- Afghah, M., Gharafi, M., & Basirat, M. (2016). A study on the effect of education inequality on income distribution in Iran. *Journal of Applied Economics Studies in Iran*, ۴(۱۶), ۱۷۹-۲۰۳. (□□ □□□□□□□□).
- Aye, G. C., Gozgor, G., & Gupta, R. (2020). Dynamic and asymmetric response of inequality to income volatility: The case of the United Kingdom. *Social Indicators Research*, 147, 747-762.
- Azzimonti, M. (2011). Barriers to investment in polarized societies. *American Economic Review*, 101(5), 2182-2204.
- Baumol, W. J. (2007). On income distribution and growth. *Journal of Policy Modeling*, 29(4), 545-548.
- Beck, T., Demirgüç-Kunt, A., & Levine, R. (2007). Finance, inequality and the poor. *Journal of Economic Growth*, 12, 27-49.
- Berg, A., Ostry, J. D., Tsangarides, C. G., & Yakhshilikov, Y. (2018). Redistribution, inequality, and growth: new evidence. *Journal of Economic Growth*, 23, 259-305.
- Berisha, E., Gupta, R., & Meszaros, J. (2020). The impact of macroeconomic factors on income inequality: Evidence from the BRICS. *Economic Modelling*, 91, ۵۵۹-۵۶۷.
- Berisha, E., Gupta, R., & Meszaros, J. (2020). The impact of macroeconomic factors on income inequality: Evidence from the BRICS. *Economic Modelling*, 91, ۵۵۹-۵۶۷.
- Besley, T., & Persson, T. (2014). Why do developing countries tax so little? *Journal of Economic Perspectives*, 28(4), 99-120.
- Bigsten, A., & Durevall, D. (2006). Openness and wage inequality in Kenya. *Journal of Economic Surveys*, ۲۰(۳)، ۴۶۵-۴۸۰.
- Chatterjee, S., & Turnovsky, S. J. (2012). Infrastructure and inequality. *European Economic Review*, 56(8), 1730-1745.
- Chiu, Y. B., & Lee, C. C. (2019). Financial development, income inequality, and country risk. *Journal of International Money and Finance*, 93, 1-18.
- Chongvilaivan, A., & Kim, J. (2016). Individual income inequality and its drivers in Indonesia: A Theil decomposition reassessment. *Social Indicators Research*, 126, ۷۹-۹۸.

De Haan, J., Pleninger, R., & Sturm, J. E. (2018). Does the impact of financial liberalization on income inequality depend on financial development? Some new evidence. *Applied Economics Letters*, 25(5), 313-316.

Delis, M. D., Hasan, I., & Kazakis, P. (2014). Bank regulations and income inequality: Empirical evidence. *Review of Finance*, 18(5), 1811-1846.

Demirgüç-Kunt, A., & Levine, R. (2009). Finance and inequality: Theory and evidence. *Annu. Rev. Financ. Econ.*, 1(1), 287-318.

Ditta, A., & Hayat, M. A. (2017). Macroeconomic instability and its role on income inequality in developing countries. *Pakistan Economic and Social Review*, 55(2), 613-636.

Dreher, A., & Gaston, N. (2008). Has globalization increased inequality? *Review of International Economics*, 16(3), 516-536.

Fang, J., Gozgor, G., Paramati, S. R., & Wu, W. (2021). The impact of tourism growth on income inequality: Evidence from developing and developed economies. *Tourism Economics*, 27(8), 1669-1691.

Fotros, M. H., & Maaboudi, R. (2011). Relationship between income inequality and expenditure inequality. *Social Welfare*, 11(40), 341-365. (in Persian).

Furceri, D., & Ostry, J. D. (2019). Robust determinants of income inequality. *Oxford Review of Economic Policy*, 35(3), 490-517.

Gozgor, G., & Ranjan, P. (2017). Globalisation, inequality and redistribution: Theory and evidence. *The World Economy*, 40(12), 2704-2751.

Hatefi Madjumerd, M., Zaheri Abdevand, A., & Sadeghi, A. (2020). Investigating the factors affecting income inequality in Iran with emphasis on financial depth and education. *Quarterly Journal of Monetary and Banking Research*, 12(2), 695-720. (In Persian).

Heidari, H., & Hassanzadeh, A. (2017). Investigating the relationship between income inequality and economic growth in Iran. *Social Welfare*, 16(63), 89-125. (In Persian).

Heidari, H., Aboonoori, E., Jafari Samimi, A., & Nademi, Y. (2021). Estimation of urban and rural poverty and inequality concerning Hormozgan Province compared with the country as a whole. *Economic Modelling*, 15(53), 1-24. (In Persian).

Helpman, E., Itskhoki, O., & Redding, S. (2010). Inequality and unemployment in a global economy. *Econometrica*, 78(4), 1239-1283.

Jalali, O., Ansari Samani, H., & Hatefi Madjumerd, M. (2017). The effect of political risk on foreign direct investment in Iran. *Economic Growth and Development Research*, 8(29), 157-174. (In Persian).

Kafaei, M. A., & Ezzatolah, D. (2007). Formal education and income distribution. *Iranian Journal of Economic Research*, 9(30), 53-76. (In Persian).

Keefer, P., & Knack, S. (2002). Polarization, politics and property rights: Links between inequality and growth. *Public Choice*, 111, 127-154.

Khodaparast, M., & Davoodi, A. (2014). Public expenditures, poverty and inequality. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 1(4), 37-50. (In Persian).



Lee, C. C., & Lee, C. C. (2018). The impact of country risk on income inequality: A multilevel analysis. *Social Indicators Research*, 136(1), 139-162.

Lee, C. C., & Wang, E. Z. (2021). Economic complexity and income inequality: Does country risk matter? *Social Indicators Research*, 154(1), 35-60.

Lee, C. C., Lee, C. C., & Lien, D. (2020). Income inequality, globalization, and country risk: A cross-country analysis. *Technological and Economic Development of Economy*, 26(2), 379-404.

Lee, K. K., & Vu, T. V. (2020). Economic complexity, human capital and income inequality: a cross-country analysis. *The Japanese Economic Review*, 71, 695-718.

Luo, C., Li, S., & Sicular, T. (2020). The long-term evolution of national income inequality and rural poverty in China. *China Economic Review*, 62, 101465.

Melki, M. (2022). Inequality and investment: The role of institutions. *Economic Modelling*, 108, 105736.

Mohammadi Viaei, A. (2016). The effects of corruption on economic inequality income distribution. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 4(14), 153-۱۶۸. (□□ □□□□□□□□).

Monjazez, M. R., & Dehgani, L. (2019). Estimation of life insurance capacity in Iran a panel ARDL approach. *Journal of Economic Modeling Research*, 10 (37), 39-67. (In Persian).

Moradi, F., Jafari, M., & Fatahi, S. (2022). The impact of misery index and corruption control on income inequality (with the Quantile Approach). *Journal of Applied Economics Studies in Iran*, 10(40), 241-279. (In Persian).

Nanziri, L. E., & Wamalwa, P. S. (2021). Finance for SMEs and its effect on growth and inequality: evidence from South Africa. *Transnational Corporations Review*, 13(4), 450-466.

Pesaran, M. H., Shin, Y. & Smith, R. P. (1999). Pooled mean group estimation of dynamic heterogeneous panels. *Journal of the American Statistical Association*, 94(446), 6۲۱-۶۳۴. (□□ □□□□□□□□).

Piraei, K., & Baligh, N. (2013). The Relationship between financial developments and income inequality in Iran. *The Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 15 (3), 1-21. (In Persian).

Ravallion, M. (2010). Do poorer countries have less capacity for redistribution? *Journal of Globalization and Development*, 1(2), ۰۰۰۰۱۰۲۲۰۲۱۹۴۸۱۸۳۷۱۱۰۵.

Raza, S. A., Shahbaz, M., & Paramati, S. R. (2017). Dynamics of military expenditure and income inequality in Pakistan. *Social Indicators Research*, 131, 1035-۱۰۵۵.

Sarel, M. M. (1997). *How macroeconomic factors affect income distribution: The cross-country evidence*. International Monetary Fund.

Shahabadi, A., & Sarigol, S. (2015). The effect of intellectual property rights on income inequality in selected developed and developing countries. *Quarterly Journal of Applied Theories of Economics*, 2(1), 63-82. (In Persian).



Shakeri, A., Jahangard, E., & Aghlami, S. (2012). The nonlinear effect of inflation on income inequality in Iran. *The Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 13 (4), 27-53. (In Persian).

Shakeri, A., & Maleki, A. (2009). Income distribution evolution in twentieth century (Departure from functional to personal distribution theories). *Economics Research*, 9(35), 57-88. (In Persian).

Sharma, B., & Abekah, J. (2017). Foreign direct investment, foreign aid and incomes inequality: Empirical insights from African and South American countries. *Transnational Corporations Review*, 9(1), 1-7.

Slotte, D. J., & Raj, B. (Eds.). (1998). *Income inequality, poverty, and economic welfare*. Springer Science & Business Media.

Vu, T. V. (2022). Unbundling the effect of political instability on income redistribution. *European Journal of Political Economy*, 75, 102189.

Vu, T. V. (2022). Unbundling the effect of political instability on income redistribution. *European Journal of Political Economy*, 75, 102189.

Wu, W., Wang, L., Erzurumlu, Y. O., Gozgor, G., & Yang, G. (2022). Effects of country and geopolitical risks on income inequality: evidence from emerging economies. *Emerging Markets Finance and Trade*, 58(15), 4218-4230.

Zare, M. H., Ansari Samani, H., Simin, N., & Mahmoodi, Z. (2021). The effect of economic, political and financial risk on capital flight: dynamic panel approach. *New Economy and Trade*, 16(1), 95-127. (In Persian).

Zaroki, S., Abdi Seyyedkolae, M., Yousefi Barfurushi, A. (2020). Analyzing the role of macroeconomic instability on income inequality in Iran. *The Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 21(4), 37-66. (In Persian).

Zaroki, S., Yousefi Barfurushi, A., & Mehri Karnami, Y. (2020). The effect of black market premium and asymmetric inflation and unemployment on income inequality in Iran. *Quarterly Journal of Applied Theories of Economics*, 7(1), 117-148. (In Persian).

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.

